

در پرتو المیزان (۱) شفاف ترین ویژگی های المیزان

محمد مهدی مسعودی

تفسیر گرانسنگ المیزان پس از اثر جاودان شیخ طبرسی، مجمع البیان، برجسته ترین و جامع ترین تألیف تفسیری جامعه شیعی محسوب شده و یا آن گونه که اندیشمند فرزانه علامه مطهری می فرماید:

(بهترین تفسیری است که در میان شیعه و سنی از صدر اسلام تا به امروز نوشته شده است).^۱ حقانیت دعوی مزبور با تبیین خطوط اساسی و ویژگیهای بارز این تفسیر نمودار می گردد. برخی از این ویژگیها چنین هستند:

۱. تکیه بر غنای قرآن در تفسیر آیات

تفسیر المیزان، تفسیری است ترتیبی، مشتمل بر تفسیر قرآن از آغاز تا فرجام، که براساس ترتیب موجود مصاحف و به روش تفسیر قرآن به قرآن نگارش یافته است. علامه براین باور است که (آیات قرآن همه از یک خاستگاه نشأت یافته است و یک سخن را تشکیل می دهد، به طوری که پیشی و پسی برخی آیات نسبت به برخی دیگر، تأثیر محتوایی در معنای کلی برگرفته از آیه ندارد، بلکه تمامی قرآن در حکم سخن و خطابه ای واحد است). علامه با این بینش به تفسیر آیات مبادرت کرده و معتقد است که هر جمله و آیه ای از قرآن، می تواند قرینه و مفسر دیگر آیه ها و جمله ها باشد. اجمال مفهومی که در برخی آیات دیده می شود با ملاحظه و تطبیق با آیات دیگر بر طرف گشته و پیام معنایی آیه به وضوح و روشنی رخ خواهد نمود. در این روش، معانی آیات از خود قرآن به دست می آید و با چنین محوریتی، برداشتهای دیگر مورد سنجش قرار گرفته و همسازی و ناهمسازی آن با قرآن مورد داوری قرار می گیرد.

۲. نگرشی ناب به قرآن به دور از پیش داوریهای علمی، فلسفی، عرفانی و ...

علامه با تکیه بر روش تفسیری یاد شده و در مجال تفسیر سوره و آیات، با توجه به موضوع، هدف و سیاق مشترک آیات، آنها را به بحثهایی تقسیم کرده و در پی آن، بخشی را با عنوان (بیان آیات) ذکر کرده است و در آن به توضیح بیشتر آیات می پردازد و در این زمینه از هر گونه استدلال فلسفی و فرضیه علمی و یا مکاشفات عرفانی، دوری جسته است و تنها به یادکرد برخی نکته های ادبی که زمینه فهم اسلوب عربی قرآن را فراهم می آورد و نیز برخی پیشه ها و پایه های بدیهی عقلی و اصول علمی روشن که مورد اتفاق و پذیرش اندیشوران است، بسنده کرده و همت خویش را به فهم آیه در پرتو دیگر آیات، معطوف ساخته است. علامه خود مطالب مندرج در بخش (بیان آیات) را مربوط به یک یا چند محور از موضوعات زیر می داند:

الف. معارف و حقایقی که مربوط به نامها و صفات الهی هستند، مانند علم، قدرت، سمع و بصر.

ب. آگاهیها و آموزه های مربوط به افعال الهی، مانند خلق، امر، اراده، مشیت، هدایت، اضلال و...
ج. مطالب و مسائل مربوط به کلیات هستی که با انسان ارتباط دارد، مانند لوح، قلم، عرش، ملائکه
و...

د. دانستنیهای مربوط به انسان پیش از دنیا، در دنیا و پس از آن.
هـ. دانشهای مربوط به اخلاق انسانی، و مقامات و مراحلی که مردان حق در راه بندگی خدا پیموده
اند، مانند اسلام، ایمان، اخلاص، احسان و...

۳. توجه به ارتباط مفهومی میان آیات یک سوره و معنی دار بودن همایش آنها
علامه در آغاز تفسیر هر سوره، تلاش می کند تا هدف بنیادین سوره و آیات آن را بیان کند و همان
گونه که خود در آغاز تفسیر سوره حمد بیان داشته است: هریک از قسمت‌های قرآن که به صورت
قطعه ای مستقل و جداگانه بیان شده و نام سوره را بر خود دارد، دارای نوعی ارتباط و به هم پیوستگی
است که در میان دو سوره مختلف و یا اجزاء آنها وجود ندارد و از آن جایی که وحدت و یگانگی یک
سخن، بسته به یگانگی هدف و منظوری است که از آن در نظر گرفته شده است، بنابراین هریک از
سوره ها هدف و منظور ویژه را دنبال می کند. ۳
بر همین پایه سوره را به طور جداگانه و برابر مضمونها و مقاصدش مورد بررسی قرار داده و در آغاز
تفسیر هربخش از آیات سوره نیز به اهداف آن دسته از آیات که در راستای هدف کلی سوره قرار
دارد، اشاره می کند.

۴. نگرش موضوعی به تفسیر آیات در زمینه های لازم
مرحوم علامه بر اساس روش تفسیری برگزیده خویش در تکیه بر آیه های قرآن و بهره وری از پیام
مجموعی آیات، برای فهم محتوای تفسیری قرآن، از روش تفسیر موضوعی نیز بهره فراوان برده
است و بدین لحاظ می توان المیزان را تفسیری ترتیبی - موضوعی دانست. ایشان بر پایه این ب اور
که تفسیر حقیقی آن چنان برداشتی از قرآن کریم است که از نگرش و اندیشه در آیه ها و از ضمیمه
شدن برخی از آیات به برخی دیگر به دست آید، همپای تفسیر ترتیبی آیات و پرداختن به فهم
تجزیه ای معانی آیات، از روش تفسیر موضوعی نیز به گونه ای روشن و درخور لمس نیز بهره برده
است. هر کجا که به بحث در زمینه آیه ای به تنهایی پرداخته، حق مطلب را ادا کرده است و افقهای
تازه ای از اندیشه به روی ذهن می گشاید و همراه با این تلاش، مجموعه ای از آیات را مرتب نموده و
بر اساس رابطه های محتوایی و پیوند مفهومی میان آن آیه ها، در اطراف م وضوع و ژرفای معنایی
آن کاوش کرده و به نتایجی درخور درنگ دست می یابد.

۵. حذف مباحث زاید و بی تأثیر در تفسیر و فهم آیات
نویسنده المیزان به مباحث ادبی، اعراب، شکلها و حالت‌های بلاغت، همانند التفات، حذف، استعاره و
دیگر اسلوبهای بیانی و بلاغی، تا بدان اندازه که به فهم آیه و برطرف ساختن پیچیدگی معنایی آن

کمک می کند، می پردازد و چندان اعتقادی به نقش این امور در تفسیر آیه ندارد. او خود می نویسد:

(بنابراین که معنی تفسیر، بیان مدلول آیه باشد، بحثی را می توان بحث تفسیری نامید که در فهم دقیق تر معنی آیه، تأثیر داشته باشد، اما بحثهای دیگر مانند برخی بحثهای لغوی، قراءتی و بدیعی، تفسیر قرآن نیستند.) ۵

همین گونه با بهره بردن در حدّ نیاز از منابع لغت و تفسیر و ضمن دوری جستن از یادکرد همه نظریه ها و دیدگاهها، واژه های آیه را توضیح می دهد. بیش ترین سهم را در این رابطه، مجمع البیان طبرسی و مفردات راغب اصفهانی داشته و فراوانی استناد علامه به این دو منبع، بسیار روشن است. هم چنان که صحاح جوهری، لسان العرب ابن منظور، مصباح المنیر فیومی و قاموس المحيط فیروزآبادی نیز از منابع لغوی المیزان به شمار می آیند و در زمینه ادب و بلاغت نیز از کشف زمخشری، نقل سخن بسیار کرده است و او را آشنای به اسرار بلاغت و آگاه از زیباییه ای سخن و ظرافتهای لفظی و نظم و پیوند آیات می داند.

۶. اهتمام به سیاق آیات در فرایند فهم و تفسیر آنها

سیاق به عنوان نشانه های لفظی و معنوی تأثیرگذار بر معانی واژه ها و کلیت آیات، در المیزان جایگاهی ویژه دارد و مؤلف از این امر در زمینه های گوناگون تفسیری بهره برده است. در مواردی برای کشف معانی آیات و روشن شدن معنای واژه ها و پذیرش یا ردّ روایات و نقد و بررسی گفته ها و نظریه های مفسران، از سیاق استفاده می کند، همین گونه در زمینه بحث از قراءات، در عین بی توجهی به اختلاف قراءات و با تکیه بر قراءت رسمی مصحف (حفص از عاصم)، گاه قراءتی را که همخوانی بیش تری با سیاق آیه دارد بر می گزیند.

نیز در بازشناسی آیات مکی از مدنی با این باور که زمان هجرت پیامبر اکرم (ص) مبنای تشخیص و بازشناسی آیه های مکی از مدنی است، به اندیشه پرداخته و بر سیاق تکیه می کند و بر پایه سیاق و نیز تناسب مضمونی آیات بارخداهای مکه یا مدینه، حکم به مدنی یا مکی بودن آیات می نم آید.

۷. ارزشگذاری برای عقل در فهم معارف وحی

از ویژگیهای آشکار المیزان تکیه بر عقل در تفسیر است. علامه با یادآوری این که قرآن به تعقل و اندیشه و کاربرد روشهای عقلی بایسته فرامی خواند، لزوم اندیشیدن درباره حقیقت را نتیجه گرفته است و پیروی از دین را نتیجه روی آوردن به عقل و بهره وری از آن می داند. ۶ بره مین اساس، نویسنده المیزان، موضعی سرسختانه و به شدت انتقادی در برابر اسرائیلیات و خرافه های اهل کتاب که در متون تفسیری، اعتقادی و تاریخی راه جسته است، پیش گرفته و خوش بینی کامل به روایات و پذیرش بی چون چرای همه نقل شده ها را، مورد انتقاد قرار داده و آن را مایه فروافتادن در دام روایات اسرائیلی دانسته است.

۸. بهره‌وری از روایات، به دور از افراط و تفریط

برخی براین باورند که تکیه بر احادیث در تفسیر قرآن، یگانه راه درست و دور از اشتباه و کژی است، اما علامه، ضمن تأکید بر اعتبار تردید‌ناپذیر بیان پیامبر و امامان(ع)، احادیث ظنی را بر قرآن کریم عرضه کرده و از روایات همساز با آیه‌ها به عنوان مؤید و پشتیبان، بهره‌جسته است:

(به دلالت خود قرآن مجید، بیان پیغمبر اکرم(ص) و اهل بیت بزرگوار او در تفسیر آیات قرآنی حجیت دارد. این حجیت در مورد سخن شفاهی و روش پیغمبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) و هم‌چنین در اخبار و روایاتی که صدور آن قطعی است که بیان ایشان را حکایت می‌کند، روشن است، ولی روایاتی که چنین نیستند، که در اصطلاح، خبر واحد نامیده می‌شوند و حجیت آنها در بین مسلمانان مورد اختلاف است، بسته به دیدگاه کسی است که به تفسیر می‌پردازد. در میان اهل سنت، بیش‌تر آنها به خبر واحد که در اصطلاح، صحیح نامیده می‌شود، یکسره عمل می‌کنند و در میان شیعه آنچه اک‌نون در علم اصول پذیرفته است، این نکته است که خبر واحدی که به صدور آن اطمینان هست، در احکام شرعی حجت بوده و جز آن اعتبار ندارد.) ۷

بدین رو، علامه قرآن را به عنوان معیاری در شناسایی و بیان معارف می‌داند و بر آن است که حجت بودن سخن پیامبر و امامان، باید از قرآن فهمیده شود. بنابراین چگونه ممکن است حجت بودن ظواهر آیات، وابسته به سخن معصوم باشد. با این همه باید توجه داشت، که علامه در این که پیامبر و امامان، عهده‌دار تبیین جزئیات قانونهای شرع و توضیح احکام ناگفته در ظواهر قرآن هستند، تردید ندارد. وی در این باره می‌نویسد:

(پیامبر اکرم(ص) روشنگر جزئیات و توضیحهای شریعت و آموزگار الهی قرآن مجید است و به موجب حدیث متواتر ثقلین، آن حضرت، امامان اهل بیت(ع) را در سمتهای نامبرده، جانشینان خود قرار داده است و این مطلب با این که دیگران با به کار گرفتن سلیقه‌ای که از آموزگاران راستین یادگرفته‌اند، مراد قرآن مجید را از ظواهر آیه‌های آن می‌فهمند، ناسازگار نیست.) ۸

علامه هنگامی به سنت استناد می‌جوید که یقین آور باشد و آن دسته از خبر واحدهایی که به صدور آنها اطمینان هست، ولی نشانه‌های یقینی به همراه ندارند، از نظر وی تنها در احکام عملی حجت هستند و در غیر احکام عملی تنها می‌توانند به عنوان تأکید‌کننده گزاره‌های آیه، مورد استناد قرار گیرند. این همه در صورتی است که روایتهای یادشده، همساز با معنای آیه باشند، وگرنه به کناری نهاده می‌شوند. ۹

۹. اهتمام به یادکرد آرای دیگر مفسران و نقد و تحلیل آنها

نویسنده المیزان به آراء و اقوال مفسران در اثر گرانقدر خویش توجهی ویژه دارد، تا بدان اندازه که برخی براین باورند که نام (المیزان) از آن رو براین تفسیر نهاده شده است که ایشان، آراء و اقوال مفسران و اندیشوران را یاد کرده و در ترازوی ملاکهای دینی و عقلی به سنجش گرفته است. بیان اقوال و آراء در المیزان، تا حدی است که خواننده خود را با مجموعه‌ای از دیدگاههای متنوع روبرو می‌بیند که علامه با تلاشی طاقت‌فرسا به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته است. وی در میان

مفسران و قرآن پژوهان شیعی، آموزه های تفسیری عالمانی چون طبرسی، عیاشی، فرات کوفی، علی بن ابراهیم قمی، نعمانی، فیض، بحرانی و حویزی را از تفاسیر مجمع البیان، عیاشی، فرات، قمی، نعمانی، صافی، برهان و نورالثقلین یاد کرده واز زمره عالمان سنی دیدگاههای دانشورانی چون زمخشری، رازی، طبری، بیضاوی، سیوطی، شوکانی، آلوسی، عبده، رشیدرضا، طنطاوی و قرطبی را از تفسیرهای کشف، کبیر، جامع البیان، اسرار التاویل، الدر المنثور، فتح القدير، روح المعانی، المنار، الجواهر و جامع احکام القرآن متذکر شده است و با نگرشی نقادانه به دیدگاههای ایشان، تفسیر شفاف آیات را ارائه داده است.

ایشان با همه ارج نهادن به تلاشهای تفسیری صحابه و تابعان که به دلیل نزدیک بودن به زمان و مکان و شرایط نزول وحی از آراء و دیدگاههای شفاف تری نسبت به دیگر مفسران برخوردار هستند، با مطلق انگاشتن و چشم فرو بستن بر روی ناهمخوانیها و ناهمسازیهای نظری آنان با مفاد تفسیری آیات، موافق نیست.

علامه در بیان حجت بودن سخن رسول خدا(ص) از آیه شریفه: (وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیه) (نحل / ۴۴) چنین استفاده کرده است:

(این آیه دلالت بر حجت بودن سخن رسول خدا(ص) در بیان و تفسیر آیات قرآن دارد و حجت بودن بیان ائمه(ع) را نیز افاده می کند؛ زیرا به حکم حدیث ثقلین، بیان ایشان، بیان رسول خدا و پیوسته به آن است؛ برخلاف دیگر صحابه و یا تابعان و یا علمای امت، زیرا آیه شریفه شامل آنان نمی شود و دلیلی که بتوان در این زمینه بر آن اعتماد کرد و حجت بودن مطلق کلام ایشان را استفاده کرد، وجود ندارد.) ۱۰

۱۰. طرح مباحث اجتماعی، تاریخی، فلسفی و... به تناسب آیات

دیگر ویژگی المیزان، ورود در بحثهای گوناگون اجتماعی، تاریخی، فلسفی و علمی، افزون بر بیانهای تفسیری و قرآنی است که به گونه ای مستقل طرح گردیده است و در آن مباحث جدی و مطرح زمان، مورد بحث و بررسی قرار گرفته و با اندیشه اسلامی سنجیده شده است. مباحثی چون: مباحث فلسفی و کلامی دین، فلسفه پیامبری و نقش آن در تکامل و حیات انسانی، بررسی تطبیقی معارف ادیان آسمانی، انسان و اجتماع، آزادی از نظر اسلام، مالکیت و محدوده آن، بردگی و تاریخ آن در جوامع بشری، سنت ازدواج و مشروعیت ازدواج موقت، چند همسری، قصاص، ارث و... با این همه، علامه در سربابی که اندیشه های بسیاری را مسحور خویش ساخته، گرفتار نیامده است و خواننده المیزان، از حاکمیت اصطلاحات علمی و تطبیق قرآن با پیشرفتهای علوم و نظریه پردازیهای تجربی، در این اثر، نشانی نمی بیند، برخلاف تفاسیر بسیاری که سعی فراوانی در تطبیق و توضیح نظریه های تازه علمی با آیه های قرآنی داشته اند. علامه بر این باور است که:

(قرآن برای همه طبقه ها و گروهها معجزه است، برای سخن سنجان، از نظر بلاغت؛ برای حکما، از نظر حکمت؛ برای دانشمندان، از نظر جنبه های علمی؛ برای جامعه شناسان، از نظر جهات اجتماعی؛ برای قانون گذاران، از نظر قوانین عملی؛ برای سیاستمداران، از نظر حقایق سیاسی؛ برای هیئتهای

حاکمه، از نظر شیوه حکومت و سرانجام برای همه جهانیان، از نظر اموری که به آن دسترسی ندارند، مانند علوم غیبی و پرهیز از ناهمگونی در سخنها و قانونها.) ۱۱

همین گونه در فرازی دیگر، دعوت قرآن به فراگیری همه دانشها را یادآور شده و می فرماید: (قرآن مجید در آیه های بسیاری به اندیشه درباره آفرینش انسان و راز و رمزهای نهفته در ساختار وجود او و فراتر از آن در خود جهانهای درونی آن و ارتباطاتی که با ملکوت اعلی دارد، اشاره کرده است و به سیر در لایه های زمین و دیدن آثار گذشتگان و بررسی اوضاع و احوال م لتها و گروههای بشری و تاریخ ایشان، فراخوانده است و بدین ترتیب به فراگیری دانشهای طبیعی و ریاضی و فلسفی و هنرهای ادبی و سرانجام همه دانشهایی که در دسترس اندیشه بشری است و فراگیری آن به سود جهان بشری و سعادت بخش برای جامعه انسانی است، دعوت می کند...

به جرأت می توان گفت که عامل بنیادین اشتغال مسلمانان به علوم عقلی، هم چون طبیعیات و ریاضیات و جز آنها، به گونه نقل و ترجمه درآغاز و به صورتی مستقل و مبتکرانه درنهایت، همان انگیزه فرهنگی بوده است که قرآن مجید در نفوس مسلمانان ایجاد کرده بود.) ۱۲

با این حال، آن گونه که ازمیزان بر می آید، علامه توجه چندانی به نظریه های علمی نداشته است و از مفسرانی نیز که روش علمی را گرایش تفسیری خویش ساخته اند، دفاع نمی کند، هرچند که در مواردی اشاره هایی به مباحث علمی - از این جهت که می توانند به توضیح معنای آیه مدد برسانند - دارد. ۱۳

۱. مرتضی مطهری، حق و باطل، انتشارات صدرا، ص ۸۹ - ۹۱.

۲. طباطبایی، محمد، حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، انتشارات اسلامیة، تهران، مقدمه.

۳. همان، ۴۱ / ۱.

۴. طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام، دارالکتب اسلامیة، تهران / ۸۱.

۵. همان / ۶۲.

۶. همو، المیزان، ۴۳۱ / ۱.

۷. همو، قرآن در اسلام / ۶۱.

۸. همان / ۲۰؛ المیزان ۸۶ / ۳.

۹. همو، المیزان، ۱۷۴ / ۱۷.

۱۰. همان، ۳۷۶ / ۱۲.

۱۱. همان، ۵۷ / ۱ تا ۶۰.

۱۲. همو، قرآن در اسلام، ۹۶ تا ۹۸.

۱۳. همو، المیزان، ۲۹۵ / ۱۱ و ۹۲ / ۱۷.